

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سیدهاشم سدید  
۰۲ جون ۲۰۱۶

## جناب " غلام حضرت خان "!

بعد از عرض سلام،

تبصره تان را خواندم. در سه مبحث می خواهم به اجازه شما ضمن تشکر از شما نظر خویش را پیرامون آن ارائه کنم:

۱- جای مسرت است که لحن کلام تان را یک اندازه تغییر دادید، با تعقیب این شیوه می توانیم با هم بهتر تقارب و تقارن داشته باشیم. امید این شیوه را با کمی اعتماد به نفس ادامه دهید و حرف تان را مستقیم، واضح و کوتاه بزنید. کنایه ها را بگذارید برای دیگرانی که هنوز از تمدن دور مانده و با فرهنگ نشده اند. خداوند به شما عمر طولانی بدهد. باور کنید که من طبیعتاً آدم نرمخویی هستم و به بحث های جدل آفرین و شخصی با اشخاص و افراد نه علاقه دارم و نه عادت. به گوشه خود افتاده ام و تنها به آن مسائلی می پردازم که به شکلی به جامعه و گذشته و حال و آینده کشور فلاکت زده ما ارتباط می گیرند. البته بحث ها یا نظر هائی که به سیاست و تاریخ و فرهنگ، به ویژه به زندگی توده های میلیونی کشور ما تعلق داشته باشد، من حیث یک افغان که به شادی و غم مردم فکر می کند، چون شادی و غم خودش را در شادی و غم مردم جست و جو می کند، من را بر آن می دارد تا نظر یا تبصره ای در آن باره ارائه کنم.

تکرار این حقیقت که انسان ها طبایع مختلف دارند، چون زیاد گفته و شنیده شده است، شاید چندان خوشایند نباشد، ولی این حرف به تجربه ثابت شده است. بنابراین باید به همه حق بدهیم تا نظر خویش را ابراز کنند. اگر نظر شان نادرست و نامعقول بود، با ارائه مدرک و سند، اگر مدرک و سند نبود، از راه استدلال و استنتاج یا از طریق استفاده کردن قانون درست اندیشیدن و درست فکر کردن، خیلی محترمانه به ایشان بفهمانیم که سخنان یا نظریات تان به این دلایل درست نیست، و یا تا این حد و اندازه درست نیست! فکر نمی کنم کسی پیدا شود که از سخن نرم برنجد. امروز میزان هوش و هوشمندی انسان ها در حدی است که نوشته ها را بو می کنند. زمان خواندن یک نوشته دیگر گذشته است. تنها با بو کردن نوشته مردم می توانند نیت افراد را استشمام کنند. همه می دانیم که افکار برخی از انسان ها به کدام سو در حرکت هستند. حرف تان را بزنید، اگر کسی نشنید هم خانه شان آباد و اگر شنید هم خانه شان آباد؛ منتها بدون تلمیح و استعاره و ایما و اشاره یا کنایه.

۲- حدس شما که به نیکوئی و با تواضع آن را تبیین (ضمن بیان موضوع آن را تشریح هم کرده اید) نموده اید، کاملاً درست است. قصد فرستنده و ناشر یکی است و آن عبارت می باشد از:

- نشان داده شود که "سدید"، که با آن صراحت و عربیانی از نظام شاهی انتقاد می کرد، چگونه با آقای "نوری" که انسان سلطنت طلب و خوش بین به "ظاهر خان" مرحوم است یک جا شده است. آن روز چه می گفت، و امروز چه می کند! در این زمینه توجه شما را به مقاله ای که دیروز و بعد از انتشار مضمون "واقعیت ها را باید از..." در پورتال "افغان جرمن آنلاین" نشر شد، معطوف می دارم. در آن مقاله با خواندن نظر من در باب مضمون "واقعیت ها را باید..."، هم شما متوجه می شوید که تیر فرستنده و ناشر که برای خرد کردن من پرتاب شده بود چگونه به خاک می خورد و هم خود آن ها به خاطر این کوشش بی ثمر شان خجلت زده می گردند - برای من همین کافی است که این ها در تنهایی، وقتی که در سکوت به این کار شان و نتیجه ای که از این کار شان گرفته اند، بپذیرند که این کار شان چقدر خجالت آور بوده است.

- همین گونه فکر را به آقای "نوری" تلقین کنند.

- آزرده گی ها را که ایجاد شده بود، تازه نموده همکاری میان من و پورتال "آریانا افغانستان" را خدشه دار بسازند. در مورد ادامه همکاری خویش با پورتال "آریانا افغانستان" من دیروز در نوشته "من هنوز هم به همان نظر هستم که بودم" چیزی نوشته ام. امید این قطع رابطه را شما و دیگران نتیجه سیاست بازی های کسانی که شما به آن ها اشاره نموده اید، ندانید.

- به شهرت من و ایشان لطمه وارد کنند.

۳- یک گله شخصی از شما: نوشتن صفت "خان" بعد از اسم خانوادگی یا "تخلص" کسی به مفهوم تحقیر، تصغیر و توهین به آن کس پنداشته می شود. شما این کار را برای این نموده اید که من در یکی از نوشته هایم شما را "غلام حضرت خان" خطاب کرده ام. با این کار تان خواسته اید، چون فکر می کنید من شما را تحقیر یا توهین نموده ام، از من انتقام بگیرید. خوب کردید، اما این را باید بدانید که در فرهنگ ما افغان ها تا همین امروز کلمه خان به منزله صفتی با بار مثبت به دنبال اسم اصلی یک انسان به کار برده می شود! وقتی کسی نام خانوادگی نداشته باشد، یا تخلصی برای خود انتخاب نکند، ناچار از آن هستید که برای حفظ ادب و احترام به کسی این صفت را (حال او واقعاً خان است یا نه، فرقی نمی کند) بعد از نامش به کار ببرید.

در قدیم که انتخاب اسم خانوادگی در کشور ما چندان رواج نداشت، تقریباً همه کسانی را که صاحب زمین و ثروت و صاحب یک شغل یا حرفه خوب، مفید برای جامعه، آبرومند و پول ساز بودند با افزودن این صفت در اخیر نام شان عزت و احترام می کردند؛ مثل: "یعقوب خان، سردار جان خان، علی رضا خان، جنرال خان محمد خان، داکتر نصیر احمد خان، داکتر علی احمد خان، یوسف خان" و... و اگر کسی دارای اسم خانوادگی می بود، مانند داکتر "انس"، صفت خان را بعد از اسم اصلی یا اولیه وی و قبل از تخلصش به کار می بردند. طور مثال: "نور احمد خان اعتمادی". فکر نکنم شما، یا کسان دیگری گاهی عکس آن را خوانده یا شنیده باشید. یعنی شنیده باشید که کسی گفته باشد "نور احمد اعتمادی خان"!

کاربرد "نور احمد خان اعتمادی" نمایانگر احترامی است که برنده اسم نسبت به این شخص، به خاطر تحصیل یا مقام یا نام و نشان پدرانش و یا شهرت و ثروت خود وی، دارد. "اعتمادی خان" به عکس، جنبه شوخی و استهزاء و کم زدن را دارد که کسانی که قصد شوخی با نام و خود این شخص را ندارند، یا نمی خواهند به دلایل گونه گون وی را ریشخند و مسخره کنند، هیچ گاهی آن را به کار نمی برند! تنها کسانی به این کار دست می زنند که می خواهند او را از نظر شخصیت کوچک نشان بدهند و مخالفان قومی و زبانی و سیاسی وی هستند، البته تنها مخالفان بی ادب و بی فرهنگ و بی خیر از مدنیت این کار را می کنند و آن هم با کوچک نشان دادن شخصی از طریق ریشخند به نام، لباس و طرز

لباس پوشیدن، آرایش موی، شیوه سخن زدن، لهجه، علاقه‌وی به غذا، علاقه به فلان هنرپیشه و فلم یا فوتبالیست و رنگ و گل و از این قبیل چیزها، چون همه موضوعات شخصی هستند و ساحت مسائل شخصی انسان‌ها از تعرض مصون است. این کار تنها برای خود را بزرگ جلوه دادن صورت می‌گیرد. ناگفته پیداست که چنین اشخاصی با اختیار کردن این راه نه تنها بزرگ جلوه نمی‌کنند، که در نظر ارباب عقل و ادب خیلی کوچکتر از آن جلوه خواهند کرد که در اصل و واقعاً هستند.

کسی که می‌خواهد چنین اشخاصی را از این طریق بدنام بسازد یا کوچکتر نشان بدهد، شاید در حلقه بی ادبان و خردسالان و تنگ نظران و بیماران روانی و غرضمندان و بداندیشان عقده‌ئی موفق شود، اما پیش اشخاص مؤدب و منور و خوش اخلاق، به خاطری که شخص مورد هجوم این بی ادب به دلایلی غیر موجه مورد جفا قرار گرفته است، خریداری ندارد.

آقای "اعتمادی" شاید به دلایل سیاسی، افکار فلسفی، کارکرد های شغلی، اندوختن ثروت از راه های غیر قانونی، سوءاستفاده از کرسی دولتی، بی‌کارگی و ده‌ها دلیل دیگری، شخصی مطلوب جامعه یا توده‌ها و منتقدان حقین و ملی نباشد و شاید میلیون‌ها انسان به دلیل این‌گونه کارهای ناپسند و ناشائست‌وی (این سخنان بر فرض استوار هستند) وی را دوست نداشته باشند، ولی این دلایل دلیل نمی‌شود که به تصغیر و تحقیر و کوچک شمردن وی با پس و پیش کردن نامش پرداخته شود. اگر رشوت خور بود یا بی‌کاره و تنبل و...، باید با ارائه سند ثابت ساخته شود که رشوت خور و بی‌کاره و تنبل و... بود، نه از راه استهزاء و کم‌زدن وی.

البته سندی (برای اثبات فساد برخی از مفسدان) بهتر از این نیست که سی سال پیش، مثلاً، یک آدم مفسد و بد ذات صاحب یک خر نبوده، ولی امروز بدون این که کار کرده و بیلی زده باشد، یا خزانه‌ای را یافته باشد و... صاحب میلیون‌ها دالر و پوند و یورو شده است؛ مانند "سیاف" ها، "محسنی" ها، "فهیم" ها، "کرزی" ها و امثال‌شان. طرز مبارزه شریفانه با یک مخالف فکری، عقیدتی و سیاسی باید توأم با احترام و در چهار چوکات ادب سیاسی و خلق نیکو باشد. ادب سیاسی یعنی چه؟ یعنی: مبارزه شفاف، هدفمند، بدون ریشخند و تحقیر و توهین ناموجه کسی، تنها برای برملا کردن جنبه‌های منفی کار و فکر و سیاست یک انسان سیاسی؛ مگر این که طرف مقابل شما را با دشنام‌های مکرر و با سخنان توهین‌آمیز خود مجبور به گفتن سخنی ناسازگاری بسازد!!

"سدید خان" که شما آن را در نظر تان به کار برده‌اید، نوعی از کلام حقارت‌آمیزی است که البته من آن را به دلیل تمامیت نوشته‌تان که از ابتداء تا انتها، به استثنای همین یک مطلب، محبت‌آمیز بود، زیاد جدی نمی‌گیرم و هم به دلیل این که همین شیوه برخورد محبت‌آمیز ادامه یابد!

شاید، بهتر بگویم به طور حتم، یکی از سخنان آخر من عنوانی یکی از افغانان سبب خواهد شد که با زبان قال یا با زبان حال از من بپرسید که آن سخن سخت را اگر شما طرفدار سخنان سخت نیستید، چگونه به کار بردید؟ خطور چنین سؤالی به مخیله هر انسانی بعد از خواندن این نوشته قابل تصور است، اما این حقیقت را هم فراموش نکنید که سخن تلخ اگر کسی از تکرار آن باز نیاید، جواب تلخ می‌خواهد! می‌گویید "به خری که کار نداری، هیش مگو." امید از این مثل تعبیرات آن چنانی نکنید. تنها یک مثل است! هر انسانی که حد خود را نگه ندارد، به شکلی باید سرجایش نشانده شود! امید این سخنان من برای تان مفهومی باشد! سلامتی تان آرزویم است.

۲۰۱۶/۰۶/۰۱